

شهید دکتر محمدجواد باهنر به روایت اسناد

علی کُردی

انقلابی که پایه‌های بنیادین آن در خرداد ۱۳۴۲ بنا گذاشته شد، با خیزش اجتماعی چشمگیری بر اثر نخبگانی از جامعه اسلامی، در بهمن ۱۳۵۷ پیروزی آغازین خود را جشن گرفت. در بررسی نقش عوامل پیشرو در پیروزی انقلاب اسلامی، غفلت از نقش محوری نخبگان، در ایجاد شرایط مناسب سیاسی و فرهنگی، مسلماً ما را در دستیابی به یک تحلیل واقعی از روند فزاینده انقلاب محروم خواهد ساخت. این بار حرکت مردم و نخبگان نه تنها از جایگاه رفیع مرجعیت حمایت، بلکه رهبری می‌شد، و این عامل در انسجام و تداوم راه آغاز شده بسیار مؤثر و سازنده بود.

نخبگان را نیز دست پروردگان مرجعیت تشکیل می‌دادند که صادقانه تمام توان خود را در تحقق اهداف رهبری بکار بستند. زمان آن فرا رسیده است تا با نگاهی عمیق، به ویژه در بعد مبارزاتی، شخصیت ممتاز ایشان مورد بررسی قرار گیرد. در این میان مراجعه به پرونده‌های ساواک، آنجایی که سازش کاریها، محافظه کاریها، پایداریها و پایمردیها ثبت و ضبط می‌گردید؛ یکی از بهترین منابع تحقیق ما می‌باشند.

هشتم شهریور هر سال یادآور شهادت مردانی از انقلاب پویای اسلامی است که با فقر و محرومیت، سالهای سیاه خفقان را با سربلندی و افتخار پشت سر گذاشتند و در مقابل فشار همه جانبه دشمن مقاومت و پایداری کردند. در طول دهه گذشته کراراً از دو چهره برجسته انقلاب، شهید «محمدعلی رجائی» و شهید «محمدجواد باهنر» سخن گفته شده است. این دورفیق، زمانی به رفیق اعلی پیوستند که عطش یقین خویش را با

شربت گوارای شهادت رفع نمودند. هر چند پیکر پرتوانشان در آتش خشم و کینه ضدانقلابیون به کلی آتش گرفت.

در این مقاله برآنیم تا ابعاد شخصیت متفکر شهید محمدجواد باهنر را کنکاش نماییم تا مؤید تمامی مقدمه فوق باشد.

اولین سندی که درباره دکتر باهنر به چشم می خورد، مربوط به سال ۱۳۴۲ است؛ زمانی که ایشان را به ساواک احضار کردند و از او خواستند تا از ایراد سخنان مخالف و مضرّه خودداری نماید. دکتر باهنر به این اخطار توجهی نکرد و در همان سال پس از ایراد سخنرانی در شبستان مسجد جامع نارمک دستگیر و راهی زندان شد. سپس طی رأی صادره از دادگاه شماره ۱۲ اداره دادرسی ارتش به ۳ ماه حبس محکوم شد.

وی در سال ۱۳۴۴ خواستار استخدام در آموزش و پرورش شد. وزارت آموزش و پرورش صلاحیت او را از ساواک استعلام کرد و ساواک در گزارش خود اظهار داشت که با استخدام وی با توجه به اینکه به خاطر علاقه به [امام] خمینی و اسلام دست به تحریکات زده است، مخالفت می شود. اداره کل سوم بخش ۳۱۶ در پایان گزارش می نویسد:

«توضیح اینکه تعصب شخص مذکور به آیت ا... خمینی حائز اهمیت می باشد. از این رو با توجه به اینکه تعهدات ضمانت اجرایی ندارد و با توجه به حساسیت شغل دبیری، این بخش همچنان با استخدام مشارالیه در وزارت آموزش و پرورش مخالفت دارد»^۱.

ریاست ساواک دستور دیگری صادر کرده، دست به تدبیری نو می زند، به این قصد که با شیوه ای دیگر آزمایش جدیدی را تجربه کند و با این حرکت، او را به ایستایی و بی تحرکی سیاسی بکشاند. بنابراین دستور می دهد با استخدام ایشان مخالفتی نشود اما اعمال و رفتارشان کماکان تحت مراقبت باشد و معتقد است که نباید بر نارضایتی ایشان افزوده شود. شاید این تاکتیک در مورد برخی مفید و مؤثر واقع می شد اما شخصیت برجسته و ممتازی چون دکتر باهنر اساساً به دنبال چنین بستر مناسبی بود تا اهداف و آرمانهای انقلابی و اسلامی خود را در سطح وسیعی بین قشر جوان جامعه اشاعه دهد.

۱. پرونده شماره ۲۱۳۷۸، ص ۱۰۹.

لذا از این تاکتیک بهره جست. ممکن است برای عده‌ای این شبهه بوجود آید: در حالی که برخی از مبارزین مسلمان در زندان و زیر شکنجه بودند، آیا اتخاذ چنین روشی صحیح بود؟

آیا این گونه نفوذها در درون رژیم ستمشاهی - که مورد تأیید مبارزین نیز بود - می‌توانست نتایج درخشانتری نسبت به قهر و ستیز دائم با رژیم پهلوی داشته باشد؟ در صورتی که این شیوه درست بود، چه دستاوردی برای نهضت و انقلاب در برداشت؟

دکتر محمدجواد باهنر در هیچ مرحله‌ای از مبارزات اصولی خویش به دستگاه ظلمه گرایش پیدا نکرد و گواه این ادعا، اسناد حاضر در پرونده ایشان است. برعکس، دکتر آنچنان سرشار از علوم و معارف اسلامی بود که با اتخاذ روشهای گوناگون، ضمن تطابق با موازین اسلامی به تقویت خط فکری و انقلابی امام خمینی در سالهای سیاه استبداد کمک کرد. وی چنان تصویر روشنی در ذهن داشت که در برابر اوضاع متفاوت، با انسجام ذهنی دست به اقدامات متفاوتی زد. دکتر باهنر، هنرمندانه در کتب درسی دینی قلم برد و قشرهای دانش آموزی را با جامعه سالم اسلامی و رهبری واقعی آشنا ساخت و به صورتی آرمانی در ذهن آنها رسوخ داد. سال ۱۳۵۷، زمانی که شمیم انقلاب شامه‌ها را نوازش داد، جمعیت دانش‌آموزی چیزی کمتر از دانشجویان آگاه و مبارز آن سالیان نداشت. علی‌ایحال عنوان روحانی مخالف، صفتی بود که همواره ایشان را همراهی می‌کرد. به سند زیر توجه کنید:

[سند شماره ۱]

پرتال جامع علوم انسانی

خیلی محرمانه

از: اداره کل سوم ۳۱۶

شماره: ۳۱۶/۶۴۲۶

تاریخ: ۴۴/۱۲/۱۸

به: ریاست ساواک استان مرکز

در باره: شیخ محمدجواد باهنر فرزند علی اصغر

پیرو ۴۴/۱۲/۵ - ۳۱۶/۶۴۰۹۳

نظر باینکه مشارالیه از جمله روحانیون مخالف و مشکوک بفعالیت‌های مضره میباشد علیهذا خواهشمند است دستور فرمائید وسیله منابع مربوطه در جریان فعالیت‌های نامبرده

بالا بوده و نتیجه را بموقع اعلام نمایند-م

مدیر کل اداره سوم - مقدم
[امضاء:] از طرف

پرونده شهید باهنر انباشته از گزارشهای مختلفی پیرامون سخنان، مواضع، دیدگاهها و فعالیتهای فرهنگی وی در کانونهای مبارزه علیه رژیم بود. زمانی طولانی در مسجد هدایت و در کنار آیت الله طالقانی و سپس در حسینیه ارشاد و در کنار استاد شهید مرتضی مطهری؛ ارائه بحثهای شیرین و تازه از اسلام و انقلاب در جلسات هفتگی و ماهانه تشکیل شده در مساجد، حسینیه ها و منازل، شب و روز این متفکر ممتاز را به خود اختصاص داده بود که جان و دل هر مبارز در بند را جلا می داد.

هنگامی که در جمع توده های مردم سخن می گفت، روانی و سادگی کلام او تا اعماق وجود رسوخ می کرد. وی معتقد بود افراد نالایق عاری از دلسوزی اند و صیانت از اسلام حق کسانی است که به آن اعتقاد راسخ دارند. به گزارش ساواک او در جلسه مکتب حسین (ع) اظهار داشته است:

«آقایان اسلام مثل یک بچه است که باید مرتب از این بچه مواظبت کرد. ولی این بچه را گاهی عده ای بی لیاقت می خواهند سرپرستی نمایند که آن هم نمی شود»^۱.
در این برهه، ساواک در می یابد که دکتر باهنر چگونه با دقت و ظرافت به دنبال بی اعتبار ساختن حکومت دیکتاتوری است، لذا این نامه از اداره کل سوم خطاب به ریاست ساواک تهران ارسال می شود:

[سند شماره ۲]

خیلی محرمانه

اداره کل سوم

۳۱۶/۲۴۸۴۳

۴۶/۴/۲۷

ریاست ساواک تهران (ه-۳)

دکتر شیخ محمدجواد باهنر

عطف ۴۶/۴/۱۴-۳ ه-۲۰/۲۶۹۰

طبق گزارشهای رسیده از آن ساواک اخیراً تحریکات نامبرده بالا بطور محسوسی افزایش یافته است علیهذا با توجه باینکه ادامه این روش به مصلحت نمی باشد. خواهشمند است دستور فرمایید با توجه بمفاد نامه شماره ۳۱۶/۲۴۴۸۰ [تاریخ] ۴۶/۴/۷ دقیقاً اعمال و رفتار و تماسهای مشارالیه را تحت نظر قرار داده و ضمن جمع آوری مدارک مستند و محکمه پسند علیه وی نظریه آن ساواک را در مورد جلوگیری از منبر رفتن اعلام دارند.

از طرف - مدیر کل اداره سوم. مقدم
رونوشت پرو شماره ۲۰/۲۲۴۸ هـ ۳ [تاریخ] ۴۶/۴/۱۹ بمنظور اطلاع و اقدام مقتضی ریاست ساواک جنوبشرق ایفاد میگردد.

[امضاء:] از طرف رئیس اداره امنیت داخلی ساواک تهران

۴۶/۵/۱۱

در سال ۱۳۴۷ آموزش و پرورش و ررامین جهت بکارگیری و استخدام دکتر باهنر از ساواک استعمال کرد که ساواک در گزارش میسوطی اعلام می دارد که وی یکی از روحانیون مخالف بوده و تنها به دستور ریاست ساواک و به انگیزه دادن فرصت به او، در استعمال قبلی رأی به بکارگیری وی صادر شده است؛ در حالی که در طول این مدت دست از مبارزه نکشیده است. و در پایان اضافه می کند: «چون ایشان پای بند به هیچ اصول و تعهدی نمی باشد، در صورت تصویب با استخدام وی در اداره آموزش و پرورش و ررامین مخالفت شود».

استاد شهید دکتر محمدجواد باهنر همچنان بر فرهنگ وارداتی رژیم شاه می تاخت و در این رهگذر به شناخت دقیق از اسلام، وضعیت کنونی دنیا، سیاستهای استعماری، اتحاد مسلمانان و جنگ حق و باطل در گستره تاریخ سفارش می کرد.

در سال ۱۳۴۹ که دکتر باهنر تقاضای تأسیس «مؤسسه بنیاد رفاه و تعاون اسلامی» را ارائه داد، ساواک اظهار داشت:

«شیخ باهنریکی و عاظ افراطی و طرفدار [امام] خمینی و مقیم تهران است که در اکثر سخنرانیهای خود بطور صراحت و کنایه مطالب تحریک آمیزی بیان می کند».

هنگامی که جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی فرارسید و با هزینه سرسام آور، در مقابل نگاه سرد و بی تفاوت میهمانان، رژه نظامی تاریخ ایران انجام گرفت، شهید باهنر در بخشی از سخنان خود در مسجد هدایت گفت: «ملت باید به قدرت صنعت و تکنولوژی و پیشرفتهای فرهنگی بیالذنه به ستایش مردگان پردازد و به حسب و نسب و زنده کردن مردگان افتخار کند.»^۱

شهید باهنر می دانست که آگاهیهای سیاسی در خلال مناظره ها و بحثها شکل می گیرد؛ لذا جلسات متعددی پیرامون این مسائل تشکیل می داد. منبع خبری ساواک از یکی از این جلسات گزارش می دهد که:

«فردی سؤال نمود در زمان آیت الله بروجردی رژیم به روحانیت احترام می گذاشت و قدرت علما محسوس و رو به رشد بود اما با حرکت آیت الله خمینی احترام سلب شد و قدرت علما نیز خدشه دار شد. دکتر باهنر در پاسخ به این شبهه اظهار داشت: گفته شما به ظاهر صحیح به نظر می رسد اما در حقیقت قدرت آیت الله بروجردی یک قدرت تشریفاتی بود و محدود می شد به اینکه فلان سینما ده متر با فلان مسجد فاصله داشته باشد یا رئیس شهربانی قم حتماً به منزل آیت الله بروجردی رفت و آمد کند وگرنه عوض می شد؛ این قدرت قابل اتکایی نبود. آیت الله خمینی بدنبال قدرت واقعی برای روحانیت است. او در پی نجات اسلام و عرضه آن به طبقات روشنفکر و نسل جوان است که در اثر محافظه کاریها از اسلام دور گشته اند. هم اکنون اسلام کانون فعالیت جوانان و طبقات روشنفکر و حقیقت جو شده است. سپس به تجزیه و تحلیل برخی از ویژگیهای اخلاقی [امام] خمینی پرداخت و ایشان را مزین به اخلاق و عرفان واقعی دانست که از هرگونه کسب شهرت و محبوبیت مبری است. و سرانجام بحث را به این شکل پایان داد که قدرت اعطایی آیت الله خمینی به دین و علما موجب حساسیت دولت گشته است. در پایان جلسه جزوه «ولایت فقیه» در بین حضار توزیع شد.»

در سال ۱۳۵۳ مجلس ختمی به مناسبت فوت والده دکتر باهنر در مسجد امیرالمؤمنین تهران تشکیل شد که مدیرکل اداره سوم امر به مراقبت از مجلس مذکور

شهید دکتر محمدجواد باهنر به روایت اسناد

کرده، از افراد شرکت کننده در مجلس با القابی چون «متعصبین مذهبی» «روحانیون سابقه دار» نام می برد و از ساواک تهران درخواست می کند با همکاری شهربانی از «فعل و انفعالات سوء» مراقبت نماید.

در سال ۱۳۵۷ اولین نمایش حضور انبوه مردم به برکت ماه مبارک رمضان و برپایی نماز عید فطر بود. این تجمع باشکوه و رویداد مهم، در آن زمان به عنوان «بزرگترین راهپیمایی سیاسی - مذهبی تاریخ ایران» شناخته شد. ساواک شمیران از برگزاری نماز عید فطر در تپه های قیطریه به امامت [شهید] دکتر محمد مفتاح اطلاع داد که دکتر محمدجواد باهنر نیز پیرامون نهضت اسلام و قیام مسلمانان، در این اجتماع عظیم، سخن گفت. در تاریخ ۱۳/۷/۵۷ یعنی دقیقاً یک ماه پس از برگزاری نماز عید، دستور دستگیری مجدد دکتر باهنر صادر شد. چرا که او به عنوان یکی از محرکین اغتشاشات اخیر معرفی شد و اتهام دیگرش امضای اعلامیه ای بود که در خرداد ۵۷ توسط روحانیون برضد حکومت مشروطه سلطنتی منتشر شده بود.

آخرین گزارش ساواک درباره شهید باهنر، به دستگیری وی در شیراز و اعزام به مرکز، مربوط می شود که در نهایت به آزادی او منجر شد و در مرحله جدیدی از فعالتهای سیاسی خویش یعنی نواختن آخرین ضربات انقلاب بر پیکر رژیم قرار گرفت. دقیقاً پس از قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲، در میان متفکرین اسلامی این احساس وجود داشت که تغییر احکام و قوانین شاید به سهولت انجام پذیرد ولی تغییر اساسی فرهنگ مستلزم سالها وقت است تا آمادگی و دگرگونی مطلوب حاصل آید. بنابراین روند مذهبی و سیاسی کردن جامعه مسلمان ایران در دستور کار قرار گرفت. از سوی دیگر رژیم بی کار نماند و سیر غربی شدن کشور را در سرلوحه برنامه های فرهنگی خویش جای داد. این تعارض و جبهه گیری صحنه سیاسی - فرهنگی کشور را به یک دوران روشنگری اسلامی - انقلابی تبدیل کرد. هنگامی که مردم مسلمان ایران افول ارزشهای انسانی و اسلامی را نظاره کردند توجه به دین و اقدام علیه حاکمان جامعه، به رهبری کسانی که سالیان دراز، حرفهای اسلام را فقط از آنان شنیده بودند، اصولیترین حرکت بود. امام و یارانش با برخوردی بدیع در صحنه انقلابهای معاصر جهان، تز انقلابی آگاهی توده های عظیم مسلمان و اتکا به قدرت آنان را به پیشتازی و پیشگامی خویش به جامعه عرضه کردند. صداقت رهبران، اعتماد رهروان را جلب کرد. ارزیابی

درست از روحیات، خلیقات و نیازهای واقعی جامعه، به تدریج میزان فعالیت سیاسی را افزایش داد. روی آوردن جوانان به مذهب - که تا آن زمان تصور می شد نقش کمتری در زندگی آنان دارد - پیامد نفوذهای فرهنگی در قلب رژیم ستمشاهی بود. راه بی انتهای گرایش توحیدی، با نهادینه شدن نوعی رفتار مذهبی - سیاسی تکامل یافت - در محفل ناآشنایان «بنیادگرایی اسلامی» خوانده شد - و به گفته دانشمند شهید دکتر محمدجواد باهنر: «این راه خاموش نشدنی همچنان تداوم دارد ...»

پستی - رسانه



به ریاست شهرهای گل کشور (اداره اطلاعات)

سخت فیزیکی
سازمان اطلاعات امنیت کشور
م. د. د. ا. ک.

از ساواک

شماره

تاریخ

پیوست

۱۴
۵۱۶۴
۵/۵/۱۵

در باره: دکتر محمد جواد باهنر

نامبرده بالا که از وظایف افراطی و ناراحت مقیم تهران میباشد اخیراً -
مبادرت به ایراد مطالب تحریک آمیز و خلاف مصالح در مسجد هدایت
تهران نموده است لطیفاً خواهشمند است دستور فرمائید نام وی را
جزو وظایف ممنوع المنبر منظور و از نتیجه اقدامات معموله این سازمان را
آگاه سازند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - شهید نصیری

از طرف

مدیرکل اداره سوم تهران
[Signature]

گیرنده

ریاست ساواک تهران ع.ا.ف. شماره ۱۰۹۷۲/۱۰۵۲۰-۱۲۵۲۰/۵/۳۰

جهت ایلاع و مراعاتهای لازم از نامبرده.

داری
۵/۵/۱۷

شهید دکتر محمد جواد باهنر به روایت اسناد

گیرنده سوابک ایران

تاریخ ۷/۱۰/۱۳۵۸



سخت‌وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س. ۱۰۱۰۰۱۰۰۰

مطالب هندرجه در این برگ همیشه معتبر و مانده خود اهدا بود

خواهشمند است دستور فرمائید
دستور فرمائید

استعلامیه زیر را تکمیل نمودد اتعاده فر

محل مهر و ام



- ۱- نام محمد جواد در صورتیکه نام دیگری دارد ذکر شود
- نام پدر محمد احمد
- ۲- شهرت یا هجرت یا هجرت لقب چنانچه قبلا شهرت دیگری داشته ذکر شود
- ۳- تاریخ و محل تولد ۱۳۱۲/۱۲/۱۳ شماره شناسنامه و محل صدور ۹۳۸ کرمان مذهب اسلام تشیع تابعیت ایران

علامه مشخصه
قد. ۱۷۰ سن. ۷۲ کبیر
چهره گندمیگون
چشم بنفشه
ابرو بختیاری
رنگ مو سیاهی
علامه مخصوص چکل و کلک
انتهای بینی حیب

- ۴- نشانی کامل محل سکونت فعلی تهران دروازه دولت خیابان آریال کوچه صفی حبی ۹ - تهران محل کار دبیرستان طالق نارستان طبقه ۴۹۷ ۷۹۴۹۷
- ۵- نشانی کامل محل اقامت تهران آریال ۱۳۲۷ تاکنون کرمان - محله عرب - کوچه ضیاء - طبقه چهارم - تهران آریال ۱۳۳۳ - تهران - کوچه محمد حسن - پلاک ۲۱ - دروازه تهران - کوچه ۱۳۳ - تهران - کوچه محمد حسن - پلاک ۱۳۳ - تهران
- ۶- میزان تحصیلات دکتر و استادی گامی کرده باز که محل تاریخ، خانه تحصیل: دبیرستان ستر قداستان و کلاس - در زمین کرمان دانشگاه معلوم معقول و متوسط (الهیات و معارف اسلامی)

- ۷- خدمت نظام و طبقه را درجه تاریخ با چه درجه در کدام قسمت
- در کجا انجام داده است مغان خیمه سراسیم جامع ملین در استان
- ۸- علاقه دارد یا خیر سازمان اطلاعات و امنیت (اگر علاقه دیگری داشته مشخصات او) با ذکر تعداد اولاد ایران خانم و دختر (اولاد زارم)



محل امضاء و مهر سازمان اطلاعات و امنیت

شهید دکتر محمد جواد باهنر به روایت اسناد



شماره ۱۰۱ - ۱۳۸۶
تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۶
پست ۱۳۸۶

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
مختص تیزبین
۲۱۴

درباره: محمد جواد باهنر و زندگی نامه

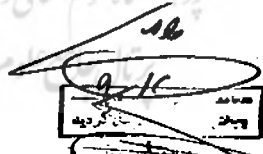
نامید بان یکی از فرخنده‌ترین امتیازات افتخار برده که روز ۱۹، ۲۰ و ۲۱ بهمن
فرماندهی نظامی شیراز در شکر و سپهر آینه ابرار اعزاز نامه نیز عنوان گردد
مراتب حسب اطلاع و مستند اعلام اعلام میگردد. چنانچه کتب ضمیمه
سابقه نام برده بالا به دست اینجانب میگردد.

محمد جواد باهنر
فرمانده نظامی شیراز

تعمیر

نام و پستی: محمد جواد باهنر
کتابخانه اسناد و مطالعات

تعمیرات
فرمانده نظامی شیراز



شماره: ۱۱۰ - ۱۳۸۶
تاریخ: ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۶
پست: ۱۳۸۶

خبرنامه فصلی حفاظتی

گزارش خبر

درجه نوبت

۱ - به شماره ۳۱۶۶	از تاریخ ۱۳۶۰/۴/۱۰	موضوع	مجلس / پرو
۲ - از ۳۵۲۰ (۲۲۰)	۳۹۲۰ / ۲۹۹۰	مجلس / پرو	مجلس / پرو
۳ - شماره گزارش ۴۹	۴۹	مجلس / پرو	مجلس / پرو
۴ - تاریخ گزارش	۴۹	مجلس / پرو	مجلس / پرو
۵ - پیوست	۴۹	مجلس / پرو	مجلس / پرو
۶ - گیرندگان خبر	۴۹	مجلس / پرو	مجلس / پرو

موضوع: مجلس / پرو

از ساعت ۱۷:۰۰ روز ۱۶/۴/۶۶ جلسه هفتگی هیئت مکتب‌الحسین در منزل روحی واقع در خیابان خیابان ایستگاه درختو خیابان خلیلی دستگیر بکرجا و اولادک . با شرکت کنندگان ۱۰ نفر تشکیل گردید . ابتدا سید مرتضی خاتمی در سخنان خود گفت قوه‌مجموعه از زمان موسی تاکنون آدم‌های خوبی نبوده و همیشه در فکر از پست‌آزار مسلمانان بسر می‌برند . کسانیکه مابین قوم‌همکاری کنند و با آنانها حمایت‌کنند دشمن اسلام هستند و خدا او را آتشی آید و این خواهد فرستاد در سال ۱۳۲۰ شیخ باهنر و اعضای مجلس وارد و مستقیماً به‌منبر رفت و ضمن سخنان خریدگشا ما محسن در مقابل ظلمها می‌بازید و نیز تمام کرد چون در آن زمان همه‌ای سخنسول مشهور و نویسنده و صلح‌اموال مردم بودند و شهید رانی می‌کردند اما محسن می‌گفت اسلام با این کارهای ناشایست را قبول نمی‌کند . آقایان حالا بعد از . . . اسرار در مطبوعات و غیره مابین تکرار شد ما ستادگره‌ها مسلمانان یا این تفرو جانی بگوید شراب‌خورید و زنان ننگید و اموال عمومی را بچاپ و نماند و بهانه‌های خان‌نسیارید به‌سر خیرتتان بر سر خورد قهری جیسر و شکنجه و تبعید را بچاپ می‌کنند . بنا بر این بر هر فرد مسلمان واجب است که همه مبروف و نیز از منکر نماید و از طریق تشکیل جلساتی عمومی و بخش‌های تبلیغاتی بگردد و نمایانده این همه فساد جیسرا نماید بر راکه در این اسلام اگر قضا زمین برود . ناچاره افزود کسانیکه قوه‌مجموعه را یاری و حمایت‌کنند مورد خشم و غضب خدا واقع می‌شوند و آنقدر و رخ مبتلی می‌گردند . آقایان اسلام در مومتمت خطراتی قرار گرفته روحانیت را تنها نگذارید و دستر اعلام را خانی نکند هر چه شما می‌بینید دستور دادند از جان و دل اطاعت نمایند این مجلس در ساعت ۱۹:۳۰ پایان یافت

نگهبان
با پرورش هم‌گزاران مجلس / پرو
۲۲/۴/۶۶

۲۲۹۹۷

۴۱۴

خبرنامه فصلی حفاظتی

شهید دکتر محمدجواد باهنر به روایت اسناد